



انتظار ۴ : امام مهدی علیه السلام در احادیث شیعه و سنی

**تألیف: جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت (محمدامین
بالادستیان و دیگران)**

ناشر: قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

مرکز تخصصی مهدویت

چاپ دوم، بهار ۱۳۸۶

منبع: کتابخانه صدق

پیشگفتار

شناخت دین و ابعاد گوناگون آن، وظیفه تمامی مردم در همه دوران‌ها است. این شناخت وقتی معتبر و دقیق خواهد بود که بر اساس روش صحیح معرفی به دست آید. بنابراین به حکم عقل، نخستین قدم در دین‌شناسی، رجوع به آورنده و تبیین‌کننده دین، برای یافتن روش شناخت است.

تأکیدات شارع مقدس، نشانگر آن است که شناخت اسلام، بر دو پایه استوار است: یکی خردورزی و تعقل و دیگری رجوع به منابع اصیل نقلی آن (یعنی قرآن و روایات صحیح اهل بیت علیهم السلام، معصومان علیهم السلام)... امام صادق علیه السلام درباره اهمیت منابع نقلی می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ» (۱) «هیچ چیزی نیست، مگر آنکه در مورد آن آیه یا روایتی وجود دارد».

از میان منابع اسلام «سنت» نقش ویژه‌ای دارد؛ زیرا گستره نظر عقل محدود است و در امور اعتباری، چندان دخالتی ندارد و از طرفی قرآن نیز به مثابه قانون اساسی اسلامی، که بیشتر به کلیات پرداخته و بیان جزئیات را به «سنت» واگذار کرده است. علاوه بر اینکه فهم مراتب قرآن و دستیابی به مفاهیم والای آن، احتیاج به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام دارد. حال دانستن معارف مهدوی و فهم کامل و دقیق و معتبر آن، تنها با رجوع به منابع اصیل اسلامی - و به خصوص روایات معصومان - علیهم السلام - امکان پذیر است.

فهرست مطالب

ضرورت بحث.....	۱
تعریف واژه‌ها.....	۱
بخش یکم.....	۳
منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام.....	۳
بخش دوم.....	۹
احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام.....	۹
الف. تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام.....	۱۱
ب. صحت احادیث امام مهدی علیه السلام.....	۱۲
بخش سوم.....	۱۳
امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث.....	۱۳
فصل ۱. احادیث عام.....	۱۳
۱-۱. حدیث ثقلین.....	۱۳
۱-۱-۱. «اهل بیت» در حدیث ثقلین.....	۱۴
۱-۱-۲. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله.....	۱۵
۱-۱-۳. مهدی علیه السلام در «حدیث ثقلین».....	۱۸
۲-۱. حدیث «من مات».....	۲۰
۳-۱ حدیث «اثنا عشر خلیفه».....	۲۳
۱-۳. بررسی روایات.....	۲۳
۲-۳ بررسی تاریخی.....	۲۵

فصل ۲. احادیث خاص.....	۲۶
یک. عرصه‌های مشترک.....	۲۶
۱- اصل مهدویت.....	۲۷
۱-۲. وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام.....	۲۸
۱-۳. جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام.....	۳۰
۱-۴. نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام.....	۳۱
۱-۵. خسف پیداء.....	۳۱
۱-۶. اتفاق بر لقب «مهدی علیه السلام».....	۳۲
۱-۷. امداد الهی.....	۳۲
۱-۸. طلوع خورشید از مغرب.....	۳۳
۱-۹. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیه السلام.....	۳۴
۱-۱۰. مشخصات ظاهری امام.....	۳۴
۱-۱۱. فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام.....	۳۵
۱-۱۲. بیعت بین رکن و مقام.....	۳۶
۱-۱۳. عدالت فراگیر.....	۳۶
۱-۱۴. هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله.....	۳۷
دو. عرصه‌های اختلافی.....	۳۷
۲-۱. ولادت امام مهدی علیه السلام.....	۳۸
۲-۲. نسب امام مهدی علیه السلام.....	۳۹
فصل ۳. لغزشگاه‌های احادیث امام مهدی علیه السلام.....	۴۱
شبیه نخست: صحیحین و احادیث امام مهدی علیه السلام.....	۴۲

شبهه دوم: ابن خلدون و احادیث امام مهدی علیه السلام..... ۴۷

پی نوشت ها..... ۴۹

ضرورت بحث

«مهدویت» از زوایای مختلف قابل بررسی است و پرداختن به آنها از چشم انداز روایات دارای اهمیت

خاصی است؛ زیرا:

یکم: منجی و مهدی از صدر اسلام و بلکه پیش از آن به علت غیر تجربی بودن و حالت پیشگویی داشتن آن، همواره مورد رغبت مردم بوده و سؤالات آنها و پاسخ‌های معصومان علیهم السلام را در پی داشته است.

دوم: گسترش روحیه امید در جامعه و ترویج فرهنگ صحیح انتظار، در تمامی دوران‌ها و معرفی مهدی موعود راستین به نسل‌های مختلف، از طریق روایات امکان پذیر بوده و اکنون نیز بهترین راه برای نیل به این مقصود، همان میراث گران‌بهای معصومان علیهم السلام است.

سوم: تلاش تاریخی برای جلوگیری از نقل روایات و کوشش دیگران برای دخل و تصرف و حذف بعضی از احادیث نوشته شده و ایجاد شک و تردید در برخی دیگر، ضرورت اهتمام به حدیث در تبیین فرهنگ مهدوی و پاسداری از آن را یادآوری می‌کند. (۲)

تعریف واژه‌ها

به منظور درک سریع مطالب و برای جلوگیری از برداشت‌های گوناگون از واژه‌ها، لازم است که قبل از

ورود به بحث، برخی از اصطلاحات را توضیح داده و مراد خود را از واژه‌ها بیان کنیم:

۱. حدیث: حدیث در لغت به چیزی گفته می‌شود که ناپیدا بوده و سپس پیدا می‌شود و در اصطلاح ما عبارت است از: «قَوْلُ الْمُعْصُومِ أَوْ مَا يَحْكِي قَوْلُهُ أَوْ فِعْلُهُ أَوْ تَقْرِيرُهُ»؛ یعنی، گفتار و یا آنچه سخن معصوم یا فعل و تقریر او را بازگو می‌کند.

اهل سنت هم حدیث را قول، فعل و تقریر پیامبر صلی الله علیه و آله، صحابه و تابعین می‌دانند. (۳)

۲. سنت: اصل قول، فعل و تقریر معصوم علیهم السلام است. (۴)

۳. صحیح: صحیح روایتی است که سند آن به وسیلهٔ راویان عادل و امامی در تمامی طبقات به معصوم متصل باشد. (۵)

محدثان اهل سنت روایاتی را صحیح می‌دانند که سند آن توسط راویان عادل ضابط متصل بوده و فاقد شذوذ و علت باشد؛ یعنی، آن را بیش از یک عادل نقل کرده و از هر عیبی به دور باشد. (۶)

۴. حسن: روایتی است که سند آن توسط راویان امامی عادل به استثنای یک یا چند راوی - که تصریح به عدالت آنان نشده و تنها به مدح و ستایش آنها اکتفا شده - به معصوم متصل باشد.

اهل سنت روایتی را حسن می‌دانند که سند آن، از طریق عادل خفیف الضبط، متصل و عاری از شذوذ و علت باشد. مراد از خفیف الضبط - در برابر تمام الضبط - کسی است که در ضبط او، اندکی خلل راه یافته است. (۷)

۵. متواتر: خبری است که در تمام طبقات، شمار راویان آن به حدی باشد که احتمال تبانی آنان بر دروغ، عادتاً محال است.

۶. صحیح سیّئه: اهل سنت شش کتاب حدیثی خود را کاملاً صحیح می‌دانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم (صحیحین)، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود، سنن ترمذی و سنن نسائی.

بخش یکم

منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام

برای آشنایی بهتر با منابع مهدویت، ابتدا آنها را به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می‌کنیم و سپس براساس تاریخ صدور، آنها را بیان می‌کنیم. همچنین می‌توان آنها را در دو مقطع قبل از ولادت و بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام دسته‌بندی کرد.

الف. منابع شیعه

یک. قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام:

۱. کتاب سلیم بن قیس؛ شیخ ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ ه) نام دیگر این کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله است.

۲. کتاب الغیبة للحجه؛ عباس بن هشام ابوالفضل الناشری (م ۲۲۰ ه) (۸)

۳. کتاب اخبار المهدی؛ ابوسعید عباد بن یعقوب الرواجنی الکوفی (م ۲۵۰ ه) (۹)

۴. کتاب القائم الصغیر؛ حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی (۱۰)

۵. کتاب الغیبة، ابواسحاق ابراهیم بن صالح الأنماطی. (۱۱)

دو. بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی از این منابع، در کنار موضوعات دیگر، مباحث و روایات امام مهدی علیه السلام را نیز مطرح کرده‌اند و برخی دیگر ویژه امام موعود علیه السلام نگاشته شده است:

۱-۲ کتابهایی که امام مهدی را مطرح نموده‌اند.

۱. الکافی؛ محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی (م ۳۲۹ هـ) این کتاب از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه است و از شرح‌های معروف آن می‌توان «مرآة العقول» و «وافی» را نام برد.

این کتاب بیش از شانزده هزار حدیث دارد که به تنهایی از تعداد کل صحاح سته اهل سنت بیشتر است.

۲. قرب الاسناد؛ ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری. وی استاد شیخ کلینی است و با امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و به وسیله محمد بن عثمان عمری با امام مهدی علیه السلام مکاتبه داشته است. این کتاب از اصول چهارصدگانه اولیه شیعه به حساب می‌رود و تعداد ۱۴۰۴ حدیث دارد.

۳. بصائر الدرجات؛ ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰ هـ) او از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و شاگرد احمد برقی و استاد مرحوم کلینی است. این کتاب در فضایل اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده و از معتبرترین اصول قدما و بزرگان شیعه است.

۴. المحاسن؛ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ) این کتاب از بهترین کتابهای شیعه است و برخی آن را در ردیف کتب اربعه می‌دانند. این کتاب بسیار مفصل بوده که قسمتی از آن به دست ما رسیده است.

۵. کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام؛ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی. وی از راویان و فقهای برجسته شیعه، در نیمه قرن چهارم است. در قم متولد شد و شاگرد شیخ صدوق بود.

۶. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ شیخ مفید ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ هـ) وی استاد شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی بود. این کتاب در بردارنده تاریخ و فضایل ائمه معصومین علیهم السلام است.

۲-۲. کتاب‌های ویژه امام عصر علیه السلام

تعدادی از کتاب‌هایی که ویژه امام عصر نوشته شده، عبارت است از:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ت ۳۰۵ هـ) او به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت که (۱۲) از قدیمی‌ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می‌شود.

۲. الغیبه؛ ابوعبدالله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳. الفصول العشره فی الغیبه؛ ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم‌ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام مهدی علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام‌های دیگر این کتاب «الاجوبه عن المسائل العشره» و «المسائل العشره فی الغیبه» است.

۴. اربع رسالات فی الغیبه؛ شیخ مفید. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵. کتاب الغیبه للحجه؛ شیخ طوسی. این کتاب از بهترین، مهم‌ترین و کامل‌ترین منابع شیعه در مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره آن امام علیه السلام است.

این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت فراوانی دارد.

۶. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام؛ این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان (۱۳) به انجام رسیده است. این گروه کوشیده‌اند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب‌های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره‌ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومان علیهم السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می‌دهد.

گفتنی است تعداد کتابهای نوشته شده - که تمام یا مقداری از بحث خود را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده‌اند - بیش از اینها است.

ب. منابع عامه:

محدثان اهل سنت، توجه خاصی به احادیث امام مهدی علیه السلام داشته‌اند. برخی از پژوهشگران (۱۴) نام ۱۶۰ نفر از آنان را - که تألیف مستقلی درباره امام مهدی علیه السلام داشته یا احادیث مربوط به آن حضرت را در کتابهای خود آورده‌اند - بیان کرده‌اند. در اینجا به معرفی برخی از کتابهای اهل سنت می‌پردازیم.

یک. قبل از تولد امام مهدی علیه السلام

کتابهای زیر قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام به نگارش درآمده است:

۱. کتاب الجامع؛ معمر بن راشد از دی (م ۱۵۱ هـ). این کتاب در آخر مصنف صنعانی، چاپ شده است.
۲. الرسالة؛ محمد بن ادريس شافعی (م ۲۰۴ هـ).
۳. المصنف صنعانی (م ۲۱۱ هـ).
۴. الفتن؛ نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی المروزی (م ۲۲۹ هـ).
۵. المصنف فی الاحادیث و الآثار؛ ابی بکر عبدالله بن محمد بن ابی شبیه الكوفی العبسی (م سال ۲۳۵ هـ) شازده حدیث پایانی آن، در مورد امام مهدی علیه السلام است.
۶. مسند احمد؛ نوشته احمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی (م ۲۴۱ هـ). احادیث امام مهدی علیه السلام در این کتاب به طور پراکنده آمده است.

دو. بعد از تولد امام مهدی علیه السلام

کتابهای زیر بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام (یعنی سال ۲۵۵) نوشته شده است.

۱. سنن ابوداود، سلیمان بن اشعث ابو داود السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ هـ) این کتاب یکی از صحاح سته و از معتبرترین کتابهای اهل سنت است. در جلد چهارم بخشی را با نام «کتاب المهدی» آورده که در آن دوازده

حدیث درباره آن حضرت بیان شده است. از نکات مهم آن آوردن حدیث دوازده خلیفه در کتاب المهدی است. که نشان می‌دهد از نظر نویسندگان، امام مهدی علیه السلام یکی از آن دوازده خلیفه‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است.

۲. سنن ابن ماجه؛ محمد بن یزید ابوعبدالله القزوينی (م ۲۷۵ هـ) این کتاب نیز یکی از صحاح سته می‌باشد.

۳. سنن ترمذی؛ محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمی (م ۲۷۹ هـ) این کتاب نیز یکی دیگر از صحاح سته شمرده می‌شود.

۴. بغیة الرائد فی تحقیق مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛ نورالدین علی بن ابی بکر هیشمی (م ۸۰۷ هـ). وی در باب «ما جاء فی المهدی» ۲۲ حدیث می‌آورد.

سه. در عصر غیبت کبری (بعد از سال ۳۲۹ هـ).

۱. صحیح ابن حبان؛ محمد بن حبان ابوحاتم التمیمی البستی السجستانی (م ۳۵۴ هـ).

۲. موارد الظمان الی زوائد ابن حبان؛ نورالدین هیشمی (م ۸۰۷ هـ).

۳. المعجم الاوسط، ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ هـ) این کتاب در ده جلد چاپ شده است، اما چون بر حسب راویان تنظیم شده لذا احادیث امام مهدی علیه السلام در سراسر آن پراکنده است.

۴. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله ابوعبدالله الحاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ).

۵. السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و اشراطها؛ ابی عمر و عثمان بن سعید المقرئ الدانی (م ۴۴۴ هـ) این کتاب معروف به سنن دانی است. از جلد پنجم صفحه ۱۰۲۹ «باب ما جاء فی المهدی» شروع می‌شود و چهل حدیث دارد.

چهار. کتاب‌های ویژه حضرت مهدی علیه السلام

منابع پیشین، احادیث مربوط به حضرت را بیان نموده‌اند و منابع ذیل، اختصاصاً به این موضوع پرداخته‌اند:

۱. الاربعین؛ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ).

۲. البيان في اخبار صاحب الزمان؛ ابو عبدالله محمد بن يوسف بن محمد كنجي شافعي (م ۶۵۸ هـ).
۳. الصول المهمّة؛ علي بن محمد بن احمد مالكي مشهور به ابن صباع (م ۸۵۵ هـ).
۴. الصواعق المحرقة؛ ابوالعباس شهاب الدين، احمد بن محمد بن علي بن حجر هيثمي شافعي (م ۹۷۴ هـ).
۵. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان؛ علاء الدين علي بن حسام الدين مشهور به متقي هندی (م ۹۷۵ هـ).
۶. موسوعة المهدي المنتظر؛ دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی. وی در دو جلد به بررسی ۳۸۸ حدیث مهدي می‌پردازد.

احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام

با مروری بر مصادر حدیثی اسلام و منابع مکتوب شیعه و سنی، به این حقیقت پی می‌بریم که مهدویت، یکی از اعتقادات اصیل اسلامی است. نخستین کسی که موضوع مهدی موعود و قیام جهانی او را مطرح و مشخصات وی را دقیقاً تبیین کرد، شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت می‌خواست ضمن دمیدن روح امید و نشاط در مردم، زمینه سوء استفاده مدعیان دروغین را از این مقوله خنثی سازد. بر این اساس از چند جهت، می‌توان احادیث امام مهدی علیه السلام را بررسی کرد:

۱. نگاه به موضوعات مختلف مهدویت که معصومان علیهم السلام در روایات خود به آن پرداخته‌اند؛

۲. تعداد احادیثی که هر یک از معصومین علیهم السلام درباره امام مهدی علیه السلام دارند.

از امام باقر علیه السلام ۶۰ حدیث، از امام صادق علیه السلام ۲۹۷ حدیث، از امام کاظم علیه السلام ۱۹ حدیث، از امام رضا علیه السلام ۳۰ حدیث، از امام جواد علیه السلام ۹ حدیث، از امام هادی علیه السلام ۱۳ حدیث از امام عسکری علیه السلام ۴۲ حدیث. پس از آن ۱۳۰ مورد توقیع و دعا از امام زمان علیه السلام و بیش از ۵۰۰ حدیث را در جلد پنجم در ذیل آیاتی که به امام مهدی علیه السلام و ویژگی‌های آن حضرت تأویل شده، ذکر می‌کنند.

۳. راویان احادیث مهدویت از صحابه

با بررسی کتاب‌های اختصاصی امام مهدی علیه السلام و یا کتبی که بخشی از آنها، به ذکر احادیث آن حضرت اختصاص یافته، به این واقعیت پی می‌بریم که حداقل حدود شصت تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بدون واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.

در اینجا تنها به ذکر اسامی برخی از صحابه - که روایات آنان در منابع اهل سنت مطرح شده است - اکتفا می‌کنیم. این خود دلیل بر صدور قطعی روایات امام مهدی علیه السلام از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه وآله است و ثابت می‌کند که «مهدویت» در اسلام، از عمیق‌ترین ریشه و عالی‌ترین درجه اعتبار برخوردار است:

۱. فاطمه الزهراء علیها السلام (شهادت: ۱۱ هـ) ۲. معاذ بن جبل (م ۱۸ هـ) ۳. قتاده بن نعمان (م ۲۳ هـ) ۴. عمر بن خطاب (م ۲۳ هـ) ۵. ابوذر غفاری (م ۳۲ هـ) ۶. عباس بن عبدالمطلب (م ۳۲ هـ) ۷. عبدالرحمن بن عوف (م ۳۲ هـ) ۸. عثمان بن عفان (م ۳۵ هـ) ۹. سلمان فارسی (م ۳۲ هـ) ۱۰. طلحه بن عبدالله (م ۳۶ هـ) ۱۱. حذیفه بن یمان (م ۳۶ هـ) ۱۲. عمار بن یاسر (شهادت: ۳۷ هـ) ۱۳. امام علی علیه السلام (شهادت: ۴۰ هـ) ۱۴. زید بن ثابت (م ۴۵ هـ) ۱۵. تمیم داری (م ۵۰ هـ) ۱۶. امام حسن بن علی علیه السلام (شهادت ۵۰ هـ) ۱۷. عبدالرحمن بن سمره (م ۵۰ هـ) ۱۸. مجمع بن جاریه (م ۵۰ هـ) ۱۹. عمران بن حصین (م ۵۲ هـ) ۲۰. ابو ایوب انصاری (م ۵۲ هـ) ۲۱. ثوبان غلام رسول الله صلی الله علیه و آله (م ۵۴ هـ) ۲۲. عایشه (م ۵۲ هـ) ۲۳. ابوهریره (م ۵۹ هـ) ۲۴. امام حسین علیه السلام (شهادت ۶۱ هـ) ۲۵. علقمه بن قیس بن عبدالله (م ۶۲ هـ) ۲۶. ام سلمه (م ۶۲ هـ) ۲۷. عبدالله بن عمر (م ۶۵ هـ) ۲۸. عبدالله بن عمر و عاص (م ۶۵ هـ) ۲۹. عبدالله بن عباس (م ۶۸ هـ) ۳۰. زید بن أرقم (م ۷۴ هـ) ۳۱. عوف بن مالک (م ۷۳ هـ) ۳۲. ابو سعید خدری (م ۷۴ هـ) ۳۳. جابر بن سمره (م ۷۴ هـ) ۳۴. جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ هـ) ۳۵. عبدالله بن جعفر طیار (م ۸۰ هـ) ۳۶. ابوامامه باهلی (م ۸۱ هـ) ۳۷. بشر بن منذر بن جارود (م ۸۳ هـ) ۳۸. عبدالله بن حارث (م ۸۶ هـ) ۳۹. سهل به سعد ساعدی (م ۹۱ هـ) ۴۰. انس ابن مالک (م ۹۳ هـ) ۴۱. ابوالطفیل (م ۱۰۰ هـ) ۴۲. ام حبیه (م ۴۳) ۴۳. ابوجحاف (م ۴۴) ۴۴. ابوسلمی، چوپان رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۵. أبولیلی ۴۶. أبوواهل حدیقه بن اسید ۴۷. حرث بن ربیع ۴۸. ابوقتاده انصاری ۴۹. زر بن عبدالله ۵۰. زراره بن عبدالله ۵۱. عبدالله بن ابی أوفی ۵۲. علاء بن بشیر مزنی ۵۳. علی هلالی ۵۴. قره بن ایاس ۵۵. عمرو بن مره جهنی.

با بررسی روایات بحث مهدویت، دو ویژگی و امتیاز به دست می‌آید که اهمیت موضوع مهدویت را در میان معارف اسلامی و دینی نشان می‌دهد و پژوهشگران و طالبان طریق سعادت را در راهیابی به افق روشن آینده کمک می‌کند. همچنین راه را بر منکران و مخالفان این واقعیت بزرگ هستی می‌بندد.

الف. تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام

از ویژگی‌ها و امتیازات بسیار مهم در یک موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع باعث می‌شود که به آن به صورت ویژه توجه شود و مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر احادیث در موضوع مهدویت، امری مورد قبول و مسلم در نزد شیعه و عامه است، یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را پذیرفته‌اند، بلکه علمای عامه نیز بر این مهم اعتراف کرده‌اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از علما و دانشمندان عامه که به این ویژگی اشاره کرده‌اند، می‌پردازیم. (۱۵)

۱. محمد حسین آبری شافعی (م ۳۶۳ هـ)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می‌گوید:

اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آمدن مهدی علیه السلام به دلیل کثرت مخبران و راویان به حد تواتر رسیده است. (۱۶)

۲. قرطبی مالکی (م ۷۶۱ هـ)؛ (۱۷)

۳. ابن قیم (م ۷۵۱ هـ)؛ (۱۸)

۴. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)؛

۵. سیوطی (م ۹۱۱ هـ)؛ (۱۹)

۶. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ه)؛ وی بارها از اعتقاد مسلمانان به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به تواتر آن تصریح کرده است؛ (۲۰)

۷. محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ ه)؛ وی تصریح می‌کند:

احادیثی که بر وجود مهدی علیه السلام و قیام او در آخر الزمان و از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آنها وجود ندارد. (۲۱)

۸. شیخ محمد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ ه). (۲۲)

ب. صحت احادیث امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از ویژگی‌های ارزشمند یک موضوع روایی، صحیح بودن روایاتی است که در مورد آن نقل شده است. صحت روایات مربوط به آن موضوع، باعث می‌شود علاوه بر قبول آن، به محتوا و مفاد آن نیز توجه شده و به دستورات آنها عمل شود. با توجه به اینکه صحت احادیث مهدویت مورد قبول شیعه است؛ از این رو در این بخش فقط نام برخی از بزرگان اهل سنت - که در نوشتار خود به «صحت» این احادیث تصریح کرده‌اند - بیان می‌شود.

۱. ترمذی در سنن ج ۴ (ص ۵۰۵، احادیث ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲، ۲۲۳۳)؛

۲. حافظ ابوجعفر عقیلی در الضعفا الکبیر (ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۵۷)؛

۳. حاکم نیشابوری در مستدرک (ج ۴، احادیث ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۵۳، ۵۵۸)؛

۴. بیهقی در الاعتقاد و الهدایة (ص ۱۲۷)؛

۵. امام بغوی در مصابیح السنة (ص ۴۴۸، ح ۴۱۹۹)؛

۶. ابن اثیر در النهایة (ج ۵، ص ۲۵۴)؛

۷. قرطبی مالکی در التذکره (ص ۷۰۴)؛

۸. ناصرالدین البانی در حول المهدی (ص ۶۴۴)؛

۹. عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی در المهدی المنتظر.

بخش سوم

امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث

در این بخش برآنیم با تأملی در برخی احادیث، به زوایای مباحث مهدویت در روایات اشاره کنیم.

فصل ۱. احادیث عام

در این بخش، نخست به تبیین برخی روایات امامت می‌پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می‌کنیم. سپس با توجه به روایات خاص «مهدویت» عرصه‌های مشترک و اختلافی شیعه و سنی را درباره «مهدویت» مطرح می‌کنیم. در این قسمت سه روایت «ثقلین»، «مَن مات» و «خلفای دوازده گانه» را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱. حدیث ثقلین

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، این حدیث را نقل کرده‌اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در موقعیت‌های مختلف بیان کرده است. (۲۳)

مسلم در صحیح خود از «زید بن ارقم» نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی در کنار آبی به نام خم (غدير خم) میان مکه و مدینه خطبه‌ای ایراد کرد و در آن خطبه خدا را ثنا گفت و مردم را نصیحت نمود. آن گاه چنین فرمود:

«أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبُ» وَ «أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النَّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ» فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَعَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرُّ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ». (۲۴)

ترمذی در سنن این متن را بالفظ «وَ عِترتی أَهْلَ بَيْتِي» نقل کرده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِترتی أَهْلُ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تُخَلَّفُونِي فِيهِمَا» (۲۵)

مسلم و ترمذی که از مؤلفان صحاح و سنن می‌باشند، هر دو بر لفظ «اهل بیت» تأکید دارند. علاوه بر این، حاکم نیشابوری در مستدرک، ابن حجر در صواعق، سیوطی در جامع الصغیر و ملک العلماء در هداية السعداء بر صحت این حدیث تأکید دارند. در مقابل روایتی که به جای «اهل بیت» لفظ «سنتی» را آورده است، حدیثی مجهول است که علاوه بر ضعف سند، احتمال ساختگی بودن آن وجود دارد. (۲۶)

۱-۱-۱. «اهل بیت» در حدیث ثقلین

واژه «اهل بیت» پیشینه قرآنی دارد، خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» * در سنن ترمذی، و مسند احمد و مسند عبد بن حمید به نقل از انس آمده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...» (۲۷)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (برای بیان مراد از اهل بیت) به مدت شش ماه هر روز صبح هنگام رفتن به نماز، از مقابل خانه حضرت زهرا علیها السلام مرور می‌کرد و می‌فرمود: ای اهل بیت! نماز. به درستی که خداوند اراده کرده است که ببرد...»

اهل بیت علیهم السلام کسانی‌اند که در مباحله حضور داشتند:

«أخرج المسلم عن سعد بن وقاص قال: لما نزلت هذه الآية (ندع أبناءنا و أبناءكم) (۲۸) دعا رسول الله علياً و فاطمه و حسناً و حسيناً فقال: اللهم هؤلاء اهلي» (۲۹)

«مسلم نیشابوری از سعد بن وقاص نقل کرد: چون این آیه (معروف به آیه مباحله) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فرا خواند و فرمود: خدایا! اینان اهل (بیت) من هستند.»

اهل بیت کسانی‌اند که حدیث کسا برای آنان بیان شده است. (۳۰)

در حدیث ثقلین براساس بعضی‌ها نقل‌ها، به جای کلمه «اهل بیت» و یا در کنار آن واژه «عترت» به کار رفته است. زید بن ثابت می‌گوید:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ خَلَفِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ». هربی به نقل از محمد بن اسحاق می‌گوید: «هذا حدیث صحیح» (۳۱)

۱-۲. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله

از مفاد حدیث ثقلین، این نکته روشن می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عترت خویش را در کنار قرآن کریم قرار داده است. اکنون جای این سؤال است که مراد از عترت چه کسانی است؟ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسانی از عترت خود را در ردیف قرآن قرار داده و ثقل اصغر خوانده است؟ ابن اثیر می‌گوید:

عترت انسان به خاص‌ترین و نزدیک‌ترین خویشاوندان وی گفته می‌شود و عترت رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرزندان فاطمه هستند. قول ابن سیده نیز همین است. (۳۲)

پیداست، مراد از «عترت» و «اهل بیت» در حدیث ثقلین محدود است و همه منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله را در بر نمی‌گیرد؛ بلکه مقصود از آن، تنها کسانی‌اند که به قرینه قرارگرفتن در کنار قرآن، از امتیازات ویژه‌ای برخوردارند. اینان همتای قرآن و مانند آن ارزشمند هستند و تمسک به آنان مانع از لغزش و انحراف است؛ چنان که علامه مناوی می‌گوید:

«وَالْمُرَادُ بِعُتْرَتِهِ هُنَا الْعُلَمَاءُ الْعَامِلُونَ، إِذْ هُمُ الَّذِينَ لَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ». (۳۳) یعنی، مقصود از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تنها افراد دارای علم و پایبند و عالم از خاندان ایشان است؛ چرا که آنان هیچ‌گاه از قرآن جدا نمی‌شوند.

چند نکته:

براساس این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله دستاورد رسالت خود را دو چیز گران‌مایه، یکی «کتاب خدا» و دیگری «عترت» آن حضرت که از هم جدایی ناپذیر و عامل راهیابی و رستگاری انسان‌ها تا روز قیامت هستند. ملازمت بر این دو از مهم‌ترین وظایف دینی هر مسلمانی است و تا قیامت پایدار است. به بیان دیگر این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

یکم. همان‌گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نکته از واژه «لَنْ يَفْتَرِقَا» به خوبی روشن می‌شود. چنانکه ابن حجر در صواعق می‌گوید:

فِي أَحَادِيثِ الْحَثِّ عَلَى التَّمَسُّكِ بِأَهْلِ الْبَيْتِ أَشَارَةٌ إِلَى عَدَمِ انْقِطَاعِ مُسْتَأْهِلٍ مِنْهُمْ لِلتَّمَسُّكِ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَمَا أَنَّ الْكِتَابَ الْعَزِيزَ كَذَلِكَ وَلِهَذَا كَانُوا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ... ثُمَّ أَحَقَّ مِنْ يَتَمَسَّكَ بِهِ مِنْهُمْ إِمَامُهُمْ وَعَالِمُهُمْ عَلَى بَنِي طَالِبٍ (کرم الله وجهه) لَمَّا قَدَّمْنَا مِنْ مَزِيدِ عِلْمِهِ وَدَقَائِقِ مُسْتَنْبَطَاتِهِ وَ مِنْ ثُمَّ قَالَ أَبُو بَكْرٍ: عَلَى عُتْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّ الَّذِينَ حَثَّ عَلَى التَّمَسُّكِ بِهِمْ؛ (۳۴)

یعنی، احادیثی که مردمان را، به تمسک به اهل بیت فرا می‌خواند، به این اشاره دارد که از اهل بیت تا روز قیامت کسی که برای تمسک شایسته است، همواره وجود دارد؛ چنان که کتاب خدا چنین است و از این رو آنان سبب ایمنی و بقا برای اهل زمین هستند... سزاوارترین فرد از میان ایشان برای تمسک، امام و عالم آنها علی بن ابی‌طالب است که علم فراوان و استنباط‌های دقیق و موشکافانه دارد، و به همین جهت ابوبکر گفته است: «علی علیه السلام عترت رسول خدا است»؛ یعنی، از کسانی است که پیامبر خواسته و ترغیب کرده مردمان به آنان تمسک جویند.

دوم. همچنان که قرآن حجت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی‌اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

سوم. در قرآن هیچ خطا و اشتباهی نیست و پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده و دچار گمراهی و ضلالت نمی‌گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می‌فرماید: «اگر به هر دو تمسک بجوید، هرگز دچار گمراهی نمی‌شوید». از این فهمیده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام نیز هرگز دچار خطا نمی‌شوند (یعنی دارای ملکه عصمت بوده و معصوم می‌باشند)، زیرا اگر به خطا دچار شوند، حتماً باعث گمراهی و ضلالت می‌گردند.

چهارم. این همراهی نتیجه دیگری نیز می‌دهد و آن اینکه تنها اهل بیت علیهم السلام هستند که می‌توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آنها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت‌های آنان بهره برد.

پنجم. قرآن دریای بی‌کران معرفت است. اتصال اهل بیت علیهم السلام به قرآن، نشانه وسعت علم و ژرفای معرفت آنان است.

۱-۳. مهدی علیه السلام در «حدیث ثقلین»

از مباحث گذشته روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. اکنون باید بیان کنیم که امام مهدی علیه السلام یکی از افراد اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

براساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر صلی الله علیه و آله در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

أ. مهدی فردی از اهل بیت است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَنْقُصِي الْأَيَّامُ وَ لَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ يُوْاطِيءُ إِسْمِي»؛ (۳۵)

رسول خدا فرمود: روزگار به پایان نمی‌رسد و عمر دنیا سپری نمی‌شود؛ مگر اینکه فردی از اهل بیت من، بر عرب حاکم می‌شود؛ نامش هم نام من است.

ابوالحسن محمد بن حسین بن ابراهیم ابن عاجم سجزی می‌گوید:

قد تواترت الاخبار و استفاضت بكثرة روايتها عن المصطفى صلى الله عليه و آله بمجيء المهدى و انه من اهل بيته... و انه يملأ الارض عدلاً و انه يخرج مع عيسى فيساعده على قتل الدجال... و انه يؤم هذه الامم و عيسى يصلى خلفه؛ (۳۶)

یعنی، درباره آمدن مهدی (و بشارت به ظهور او) و اینکه مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، اخبار «متواتر» و «مستفیض» است (و این وعده حتمی است. در این اخبار آمده که) حضرت مهدی علیه السلام زمین را از عدل پر می‌کند و قیام او با ظهور عیسی علیه السلام هم زمان است. عیسی علیه السلام،

مهدی علیه السلام را در قتل دجال یاری می‌نماید و مهدی علیه السلام بر این امت پیشوایی می‌کند و امام می‌گردد و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد.

ب. مهدی علیه السلام فردی از «عترت» است:

یوسف بن یحیی مقدسی سلمی در نخستین باب کتاب عقد الدرر، عنوان اولین بخش را چنین نام می‌دهد: «فی بیان انه (المهدی) من ذریه رسول الله و عترته» یعنی، «در بیان این مطلب که مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر و عترت او است». آن گاه ۳۴ حدیث در این باره نقل می‌کند که بعضی از آنها در کتابهایی چون المعجم الکبیر، سنن ابی داود، سنن ابی ماجه، مسند امام احمد و مستدرک الصحیحین آمده است به عنوان نمونه این حدیث را می‌آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه علیها السلام» (۳۷) مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

ج. مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است:

در دسته‌ای از اخبار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مهدی علیه السلام را از فرزندان خود می‌خواند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی منی...»؛ (۳۸) «قال رسول الله صلی الله علیه و آله المهدی رجل من ولدی» (۳۹)...

حافظ ابوالقاسم عبدالرحمن نخعی سهیلی در کتاب «شرح سیره رسول الله صلی الله علیه و آله» درباره فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام بر زنان جهان می‌نویسد:

و من سؤدها ان المهدی المبشر به فی آخر الزمان من ذریتها فهی مخصوصه بهذه الفضیله دون غیرها؛

یعنی، از دلایل بزرگی و عظمت فاطمه علیها السلام این است که آن مهدی که مژده ظهور او را در آخر الزمان داده‌اند، از ذریه او است. پس این فضیلت ویژه فاطمه علیها السلام است نه غیر او. (۴۰) (۴۱)

بنابر آنچه بیان شد به روشنی درمی‌یابیم که امام مهدی علیه السلام یکی از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت اهل بیت آن حضرت است که مصداق حدیث ثقلین می‌باشد و هیچ گاه از قرآن جدا نمی‌شود و سیره و روش ایشان براساس کتاب شریف الهی است. بشر نیز در این زمان جز با تمسک به قرآن و تبعیت از دستورات آن حضرت، از سرچشمه هدایت سیراب نخواهد شد.

۲-۱. حدیث «من مات»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» هر کس بمیرد و امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (۴۲)

در میان اهل سنت صاحبان صحاح سته این حدیث را از هفت نفر از صحابه نقل کرده‌اند: ۱. زید بن ارقم؛ ۲. عامر بن ربیعہ غنری؛ ۳. عبدالله بن عباس؛ ۴. عبدالله بن عمر؛ ۵. ابوالدرداء؛ ۶. معاذ بن جبل؛ ۷. معاویه بن ابی سفیان.

علاوه بر این هفت نفر، احادیث مشابهی نیز از ابوهریره و انس بن مالک نقل شده است. کافی است بدانیم که تنها علامه مجلسی (ره) این حدیث را با چهل سند از طرف اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است. (۴۳)

علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده‌اند که بعضی از آنها عبارت است از ۱. سنن ابوداود؛ ۲. مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛ ۳. سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴. طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب و اقدی؛ ۵. مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶. مصنف ابن شیهه؛ ۷. صحیح بخاری، ۸. صحیح مسلم و... (۴۴)

یکی از محققان، از میان ۳۳ متن این حدیث، سی متن آن را آورده و دسته‌بندی کرده است که در این میان ده متن آن به اهل سنت و سیزده متن آن به شیعه اختصاص دارد. هفت متن باقی مانده نیز عیناً در منابع مورد اعتماد شیعه و سنی ذکر شده است. ایشان به ذکر اسامی افرادی که مدعی «متواتر» بودن این حدیث

هستند، می‌پردازد و از افرادی مانند شیخ مفید، شیخ بهایی، علامه مجلسی، قندوزی حنفی و قاضی بهلول، بهجت افندی، زنگنه، زوری و ابن ابی الحدید نام می‌برد. (۴۵)

این حدیث با وجود فراوانی متون و اختلاف در بعضی کلمات، اکثراً با عبارت «مات میتة جاهلیة» و گاهی هم با عبارت «مات یهودیاً او نصرانیاً» یا با تعبیری که بیانگر سوء عاقبت چنین افرادی است، به پایان می‌رسد.

بخش ابتدایی این احادیث از دو حال خارج نیست: گروهی با «من مات» شروع می‌گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می‌داند و بخشی دیگر، با الفاظی چون «من خرج» شروع می‌شود و تمرّد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می‌داند. امامی که شناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

بر این اساس چنین امامی قبل از هر چیز باید:

۱. دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه‌ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از مرگ جاهلی رهایی یابند.

۲. از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوا و خطا برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی‌های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه‌ها و افراد را نیز به حق رهنمون شود. چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی مسجّل می‌کند.

با توجه به نوشته مورخان، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از آغاز امر نبوت و نخستین روزهای بعثت، این حقیقت را گوشزد فرمود که هیچ فرد یا گروهی - حتی خود حضرت - در تعیین زمامدار و خلیفه بعد از خود مستقل نیست، بلکه اختیار و انتخاب آن به دست خداوند است.

به عنوان نمونه قبیله بنی عامر بن صعصعه به آن حضرت گفتند: اگر از تو پیروی کنیم و تو بر مخالفان خود پیروز شوی آیا زمام امور بعد از خود را به دست ما می‌دهی؟ رسول خدا فرمود:

«زمام امر به دست خدا است و هر طوری که او بخواهد عمل می‌کند». (۴۶)

بر این اساس امامت و خلافت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی نیست که به مردم واگذار شود. اگر طبق عقیده اهل سنت اختیار این کار به خود امت واگذار شود، دیگر معنا ندارد که مسلمانان را ترغیب کنند که امام خود را بشناسند تا مبدا بر اثر نشناختن او، گرفتار مرگ جاهلی شوند و سرنوشت آنان به جهنمی منتهی گردد؛ چرا که خودشان امام را انتخاب کرده‌اند.

با دقت در حدیث «من مات...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می‌آید: (۴۷)

۱. ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛
۲. ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛
۳. تعداد امام بر حسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛
۴. نشناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به مرگ جاهلیت می‌میراند؛
۵. لزوم اعلم و اتقی بودن امام؛
۶. نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت که شرایط آن را ندارند؛ (به دلیل انطباق نداشتن راه و رسم آنها با امام زمان، و اینکه هیچ کس نشناختن آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی‌داند)؛
۷. خلاصه شدن راه‌های شناخت امام زمان، در معرفی از سوی پیامبر یا امام پیشین و یا اظهار معجزه؛
۸. هرکس در برابر سؤال از امام زمان خود پاسخی نداشته باشد و بر آن حال بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است؛
۹. با توجه به قطعی بودن حدیث «من مات» تنها شیعه دوازده امامی در پرتو عقیده راستین به امامت ائمه اثنی عشر - که آخرین آنان حضرت مهدی موعود علیه السلام است - مصداق بی‌چون و چرای این حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها در امامان دوازده‌گانه شیعه یافت می‌شود)؛

۱۰. براساس این حدیث و احادیث دیگر درباره تعداد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده گانه ائمه، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت مهدی موعود علیه السلام است. (۴۸)

۱-۳ حدیث «اثنا عشر خلیفه»

جابر بن سمره می گوید:

«سمعت رسول الله يقول: لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفه ثم قال كلمه لم اسمعها فقلت لأبي ما قال؟ فقال كلهم من قریش»؛ (۴۹)

شنیدم پیامبر خدا می فرمود: همواره اسلام در سایه دوازده خلیفه «من» عزیز می ماند. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه آنان از قریش هستند.

این حدیث را فریقین (۵۰) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسانی اند. از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

۱-۳ بررسی روایات

برای فهم درست کلام هر گوینده ای، باید به قرینه های موجود در کلام او توجه کرد و کلمات دیگر او را در نظر گرفت تا مراد از امور مجمل روشن شود. با مراجعه به احادیث نبوی می بینیم که آن حضرت به روشنی مراد خویش را از دوازده خلیفه به طور مکرر بیان کرده است؛ از جمله:

۱. محمد بن ابراهیم حمّوئی شافعی از عبدالله بن عباس نقل می کند:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ان خلفائي و اوصيائي وحجج الله على الخلق بعدى اثني عشر، أُولَئِهِمْ اخي و آخرهم وُلْدِي، قيل يا رسول الله و من اخوك؟ قال: عليُّ بن ابي طالب، قيل: و من وَلَدُكَ؟ قال: المهدي الذي يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛ (٥١)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خلفا و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفر هستند: اولین آنان برادر من و آخرین آنان پسر من است. گفته شد: ای رسول خدا: برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سؤال شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد.

در این حدیث پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله برای تبیین مراد از دوازده خلیفه، به معرفی امام اول و امام دوازدهم اکتفاء می‌کند؛ درحالی که در مواقع دیگر اسامی همه دوازده خلیفه را بیان می‌کند و حتی اسم پدرانیشان را نیز برمی‌شمرد.

۲. پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: «ان وصيي و الخليفة من بعدى علي بن ابي طالب و بعده سبطاي الحسن ثم الحسين يتلوه تسعة من صلب الحسين ائمة ابرار. قال (نعثل) يا محمد فسمّهم لي قال: نعم اذا مضى الحسين فابنه علي فابنه محمد فاذا مضى محمد فابنه جعفر فاذا مضى جعفر فابنه موسى فاذا مضى موسى فابنه علي فاذا مضى علي فابنه محمد ثم ابنه علي ثم ابنه حسن ثم الحجّة بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمة عدّة نقباء بني اسرائيل»؛ (٥٢)

جانشین و خلیفه بعد از من علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوه من حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام هستند. سپس نه فرزند حسین علیه السلام امام خواهند بود. (نعثل) گفت: ای محمد صلى الله عليه وآله آن نه نفر را نام ببر. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: وقتی حسین علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش علی علیه السلام امام است و هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش محمد علیه السلام به امامت می‌رسد و چون محمد علیه السلام از دنیا رفت، پسرش جعفر علیه السلام امام خواهد شد و وقتی جعفر علیه السلام از دنیا برود، فرزندش موسی علیه السلام امام است و هنگامی که موسی علیه السلام

درگذشت، پسرش علی علیه السلام و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او حجة بن الحسن علیه السلام امام خواهد بود. اینان دوازده امام به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند.

با توجه به روایات و احادیث دیگر شیعه و سنی، روشن می‌شود که مراد از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله همین امامان دوازده گانه است.

۲-۳ بررسی تاریخی

در تاریخ اسلام، دوازده خلیفه‌ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند - جز دوازده امامی که شیعه به آنان معتقد است - نمی‌توان یافت؛ زیرا دوازده خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله پس از آن حضرت به عنوان خلیفه ایشان معرفی شدند، از طرفی مایه عزت اسلام بودند و هیچ وقت اسلام بدون آنان نبوده است. چنان که از ظاهر «لایزال» فهمیده می‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در هیچ زمانی بدون خلیفه نبوده است. حال باید دید این دوازده نفر کیستند؟ تاریخ زندگی خلفای اموی و عباسی نشان می‌دهد که آنان هیچ وقت مایه عزت اسلام نبودند! ولی دوازده امام شیعه علیه السلام - که همگی در عصر خود مظهر تقوا و حافظ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده‌اند، پیوسته مورد توجه صحابه و تابعین و نسل‌های بعدی قرار داشتند و به علم و وثاقت معروف بودند.

علاوه بر این، کسی غیر از شیعه، دوازده امامی را که از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخر دنیا استمرار داشته باشد، معرفی نکرده است، اگر تنها مصداق حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بپذیریم، با مراجعه به تاریخ می‌بینیم که یازده امام آمده و شهید شده‌اند و اکنون دوران امامت و خلافت دوازدهمین امام - که حضرت مهدی علیه السلام - است.

خلاصه

مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعبیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱. امامان دوازده نفر هستند.

۲. امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله «لایزال الاسلام و لاینقضی»).

۳. همگی آنان از قریش هستند.

۴. غیر از شیعه کسی چنین ادعایی ندارد.

۵. حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امامی است که از سال ۲۶۰ امامت را بر عهده دارد.

پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه‌ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می‌گردد و نشاختن او باعث خروج از اسلام می‌شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

فصل ۲. احادیث خاص

از آنچه در بخش نخست گذشت، دانستیم که همه معصومین علیهم السلام درباره «مهدویت» سخن گفته‌اند و کمتر راوی وجود دارد که درباره آن روایتی نقل نکرده باشد. در جوامع روایی، بیش از دو هزار حدیث در این باره نقل شده است. برای نمونه مؤلف منتخب الاثر با استفاده از ۱۵۷ منبع شیعی و سنی، قریب ۹۰۰ روایت را بدون تکرار و به طور کامل ذکر می‌نماید. در اینجا از میان احادیث فراوان و مباحث گسترده، به بیان موارد مشترک مسائل مهدویت در روایات شیعه و سنی می‌پردازیم و سپس برخی از موارد اختلافی را نیز به طور خلاصه بیان می‌کنیم.

یک. عرصه‌های مشترک

در زمینه «مهدویت» مسائلی مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است که با اشاره به برخی از آنها برای هر

یک، شاهی از روایات فریقین یا کلمات علمای آنان می‌آوریم.

از آنجا که این روایات در مصادر حدیثی مورد قبول اهل سنت است؛ لذا آنها را به عنوان نظر آنان قلمداد می‌کنیم. (۵۳)

۱- اصل مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه مهدویت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی - به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین منصوری - بر این مسئله اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات درباره این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. معلوم است که هر قضیه‌ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می‌رساند. شهید صدر در این باره می‌گوید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی‌گذارد.

تنها از طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شمارش شده و بیش از شش هزار روایت برآورده گشته است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی، نظیری برای آن وجود ندارد، قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند. (۵۴)

حافظ ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

تواتر الاخبار بان المهدي من هذه الامة؛ (۵۵) اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدي عليه السلام از این امت (اسلام) است.

قاضی شوکانی می گوید:

و هي متواتره بلاشك و لاشبهة؛ (۵۶) احادیث مهدي بدون شك و شبهه متواتر است

ابن حجر هیثمی می گوید:

والاحادیث التي جاء فيها ذكر ظهور المهدي عليه السلام كثيرة المتواترة؛ (۵۷) احادیثی که در آن به ظهور مهدي عليه السلام اشاره شده، بسیار زیاد و در حد تواتر است.

قرمانی دمشقی می گوید:

اتفق العلماء على ان المهدي هو القائم في آخر الزمان و قد تعاضدت الاخبار على ظهوره؛ (۵۸) علما بر این امر اتفاق دارند که مهدي همان قیام کننده در آخر الزمان است و اخبار و احادیث ظهور آن حضرت، یکدیگر را تأیید می کنند.

مبارکفوری می گوید:

و اعلم ان المشهور بين كافة من اهل الاسلام على ممر الاعصار انه لا بد في آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت يسمى بالمهدي، (۵۹) بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان ها این است که به طور حتم در آخر الزمان، شخصی از اهل بیت ظهور خواهد کرد. او مهدي نام دارد.

۲-۱. وجوب اعتقاد به امر مهدي عليه السلام

قضیه امام مهدي عليه السلام از امور غیبی است که از طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن به

صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از نشانه های پرهیزکاران، ایمان به غیب است:

«ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب...» (۶۰) «آن کتاب (قرآن) تردیدی در آن نیست، هدایت برای متقین است. کسانی که به غیب ایمان دارند...».

شیخ صدوق با تمسک به این دو آیه می گوید:

و لایکون الايمان صحيحاً من مؤمن الا من بعد علمه بحال من یؤمن به... کذلک لن ینفع ایمان من آمن بالمهدی القائم علیه السلام حتی یكون عارفاً بشأنه فی حال غیبه؛ هیچ مؤمنی ایمان صحیح نخواهد داشت مگر بعد از اینکه علم پیدا کرد به احوال کسی که باید به او ایمان آورد... و همچنین ایمان کسی که مهدی علیه السلام را پذیرفته، نفعی به او نمی‌رساند، مگر در صورتی که عارف به شأن آن حضرت در زمان غیبت باشد. (۶۱)

به همین سبب در روایات شیعه و سنی منکر خروج مهدی علیه السلام کافر شمرده شده است. جابر بن عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«من انکر خروج المهدی علیه السلام فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله»؛ (۶۲) کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر گردیده است.

امام صادق علیه السلام در روایتی در بیان مصادیق غیب - که ایمان به آن لازم است - می‌فرماید:

«متقین، شیعیان امام علی علیه السلام هستند، (و یکی از مصادیق) غیب نیز همان حجت غایب است، یعنی، مهدی منتظر». (۶۳)

در میان اهل سنت، احمد بن محمد بن صدیق می‌گوید:

الایمان بخروجه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول محتم؛ (۶۴) ایمان به خروج مهدی علیه السلام واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است.

سفارینی حنبلی می‌گوید:

الایمان بخروج المهدی واجب کما مقرر عند اهل العلم و مدون فی عقاید اهل السنه و الجماعة؛ (۶۵) ایمان به خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم ثابت و در عقاید اهل سنت و جماعت مدون است.

شیخ ناصرالدین البانی وهابی می گوید:

ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه صلى الله عليه وآله يجب الايمان به لانها من امور الغيب و الايمان بها من صفات المتقين، همانا عقیده به خروج مهدی علیه السلام عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که ایمان به آن واجب است، زیرا این عقیده از اموری است که ایمان به آن در قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده است. (۶۶)

۳-۱. جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام

فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق فریقین است و آیات و روایات بسیاری بر این مسأله دلالت دارد.

خداوند در قرآن می فرماید: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (۶۷) همان گونه که در آیه ای دیگر می فرماید: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم فی الارض». (۶۸)

علاوه بر این آیات، روایات فریقین نیز بر این موضوع دلالت دارد. حاکم نیشابوری از ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«تُمْلأ الارض جوراً و ظلماً فيخرج رجل من عترتي يملك الارض سبعاً او تسعاً فيملأ الارض قسطاً و عدلاً» (۶۹)، زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه (سال) مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثَ مِائَةِ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِثَتْ

ظُلُمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا... حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (۷۰)

امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال حاکم بر زمین می‌شود، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان درنگ کردند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح می‌کند تا تنها دین محمد صلی الله علیه و آله بر روی زمین باقی بماند.

۴-۱ نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی از آسمان فرود می‌آید و در نماز به آن امام اقتدا می‌کند. ابوهیریه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»، (۷۱) چگونه‌اید زمانی که فرزند مریم فرود می‌آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«و ینزل روح الله عیسی ابن مریم علیه السلام فیصلی خلفه...» (۷۲) نازل می‌شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند پشت سر او (امام مهدی علیه السلام).

۵-۱. خسف بیداء

از دیگر موارد اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان علایم ظهور است. عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

«یغزو جیش الکعبه فاذا کانوا ببیداء من الارض یخسف بأولهم و آخرهم»؛ (۷۳) لشگری آهنگ کعبه می‌کنند، پس هنگامی به زمین بیداء درآمدند، (زمین) همه آنها را فرود می‌برد.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«فینزل امیر جیش السفیانی البیداء فینادی مناد من السماء یا بیداء أبیدی القوم فیسحف بهم...» (۷۴) پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی (همراه با لشگرش) به (زمین) بیداء، پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: ای (زمین) بیداء نابود کن قوم (لشکر) را. پس آنها را در خود فرو می‌برد.

۶-۱. اتفاق بر لقب «مهدی علیه السلام»

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره‌ی امام مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است. کعب گوید:

انما سمی المهدی لانه یهدی لامر قد خفی؛ (۷۵) به درستی که او را مهدی نامیدند زیرا هدایت می‌کند (یا هدایت می‌شود) به امری که مخفی است.

منظور از امر خفی، همان تورات و انجیل است که مخفی هستند و کسی جایشان را نمی‌داند. (۷۶) از ابوسعید خراسانی نقل شده است:

«قلت لأبی عبدالله علیه السلام المهدی و القائم واحد؟ فقال: نعم. فقلت: لأی شیء سمی المهدی؟ قال: لانه یهدی الی کل امر خفی»؛ (۷۷) «به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می‌شود به هر امر مخفی».

۷-۱. امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره‌ی وجود مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت‌های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

ابوهريره از وجود مقدس پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل مي كند:

«لَتَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَقَاتِلُوا الْيَهُودَ حَتَّى يَقُولَ الْحَجَرُ وَ رَأَى الْيَهُودِيَّ يَأْتِي مُسْلِمًا هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَأَى الْيَهُودِيَّ يَأْتِي مُسْلِمًا» (٧٨)

«ساعت برپا نمی شود تا اینکه با یهود جنگ و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در پشت او یهودی مخفی شده، می گوید: ای مسلمان! پشت من یک یهودی است او را بکش».

ابوبصير از امام صادق عليه السلام نقل می کند:

«فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَمْ يَشْرِكْ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكُسرَنِي وَاقْتَلَنِي» (٧٩) «هنگامی که قائم عليه السلام خروج کند. باقی نمی ماند کافری به خدای بزرگ و نه مشرکی به امام؛ مگر اینکه دوست ندارد خروج او را، (چرا که در زمان خروج او) حتی اگر کافر یا مشرکی خود را در داخل سنگی قرار دهد، هر آینه آن صرخه می گوید: ای مؤمن! در داخل من کافری است مرا بشکن و او را بکش».

۸-۱. طلوع خورشید از مغرب

یکی از مواردی که هم عامه و هم خاصه در مورد وقایع مقارن با عصر ظهور امام مهدی عليه السلام به آن اشاره دارند؛ طلوع خورشید از مغرب است.

ابوهريره از قول پيامبر صلى الله عليه وآله نقل می کند:

«لَتَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا فَإِذَا طَلَعَتْ فَرَأَاهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ فَذَلِكَ حِينَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (٨٠) «قیامت برپا نمی شود تا اینکه طلوع کند خورشید از مغربش، پس هنگامی که طلوع کرد و مردم او را دیدند همه ایمان می آوردند. پس آن زمان ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا به دست نیاورده در ایمانش خیری را «فقط ایمان ظاهری داشته» نفعی ندارد».

۹-۱. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه این است که حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمة» «مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

۱۰-۱. مشخصات ظاهری امام

با توجه به اینکه امام مهدی علیه السلام پس از غیبتی طولانی ظهور خواهد کرد و مردم ایشان را قبلاً نمی‌شناختند، لذا در روایات به مشخصات ظاهری آن بزرگوار اشاره شده است و فریقین این گونه روایات را در کتاب‌های روایی خود ذکر کرده‌اند. ابوسعید خدری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«المهدی منی، أجلي الجبهة، أقنى الأنف، يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما مثلت جوراً و ظلماً»؛ (۸۱) «مهدی علیه السلام از من است، پیشانی او آشکار و هویداست، بینی بلند و کشیده دارد. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است».

ابی وائل می‌گوید: امام علی علیه السلام به حسین علیه السلام نظری کرد و فرمود:

«و سیخرج الله من صلبه رجلاً باسم نبیکم... و هو رجل اجلی الجبین و اقنى الانف... و يملأ الارض عدلاً كما مثلت ظلماً و جوراً»؛ (۸۲) «به زودی خداوند خارج می‌کند از صلب او (حسین علیه السلام) مردی را که هم نام پیامبران است... و او مردی بلند پیشانی و کشیده بینی است... او پر می‌کند زمین را از عدل، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است».

۱۱-۱. فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه، ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمات بی‌پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می‌گیرد. ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می‌کند:

«یکون فی امتی المهدی ان قصر فسبع و الا فتسع فتنعم فیہ امتی نعمۃ لم ینعموا مثلها قط... و المال یومئذ کدوس فیقوم الرجل فیقول یا مهدی أعطنی فیقول خذ»؛ (۸۳) «در امت من مهدی، اگر (مدت او) کوتاه باشد هفت سال و گرنه نه سال (حکومت می‌کند) پس متنعم می‌شوند در (زمان) او امت من به نعماتی که هرگز مثل آن متنعم نشده بودند... و مال در این هنگام (نزد او) متراکم و جمع است. پس مردی بر می‌خیزد و می‌گوید: ای مهدی! عطا کن. پس می‌گوید: بگیر».

عبد خیر می‌گوید: از امیرالمؤمنان علی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«قال لی رسول الله صلی الله علیه و آله یا علی! الائمة الراشدون المهتدون المعصومون من ولدک احد عشر اماما و انت اولهم و آخرهم اسمہ اسمی یخرج فیملأ الارض عدلا کما ملئت جورا وظلما یأتیه الرجل و المال کدوس (مجموع) فیقول یا مهدی اعطنی فیقول خذ»؛ (۸۴) «پیامبر به من فرمود: ای علی! امامان هدایت شده معصوم از فرزندان تو یازده نفرند و تو نخستین آنان هستی و آخرین آنان هم اسم من است. خارج می‌شود و زمین را از عدل پر می‌کند؛ همانگونه که از ظلم و ستم پر شده بود، فردی نزدش آمد. اموال (نزد امام) متراکم است. می‌گوید: ای مهدی، عطا کن. پس امام می‌گوید: بگیر».

۱۲-۱. بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام، مکان بیعت ایشان (کنار خانه کعبه) است. این ویژگی نیز در کتاب‌های عامه و شیعه ذکر شده است. احمد حنبل در روایتی از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«یبایع لرجل ما بین الرکن و المقام»؛ (۸۵)

«با مردی بین رکن و مقام بیعت می‌کنند».

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«یبایع القائم بین الرکن و المقام ثلاثمائة و نیف عده اهل بدر...»؛ (۸۶) «بیعت می‌کنند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر...»

۱۳-۱. عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابوسعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«المهدی منی... یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ (۸۷) «مهدی علیه السلام از من است... زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است».

صقربن ابی دلف می‌گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود:

«ان الامام بعدی الحسن ابنی و بعد الحسن ابنه القائم الذی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً»؛ (۸۸) «امام بعد از من حسن علیه السلام است و بعد از حسن علیه السلام فرزندش قائم (جانشین او است) کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.»

۱۴-۱. هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره امام مهدی علیه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک آن حضرت است. عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«لاتذهب أو لاتنقضی الدنيا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی»؛ (۸۹) «دنيا به پایان نمی‌رسد یا دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه مردی از اهل بیتم - که هم نام من است - بر عرب حاکم می‌شود».

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«القائم من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سننه سنتی...»؛ (۹۰) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است».

دو. عرصه‌های اختلافی

همان‌گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود گروهی از اهل سنت در بعضی موارد دیدگاهی متفاوت با شیعیان دارند.

آنچه که در این عرصه قابل توجه است، موضوع ولادت و نسب آن حضرت است. در میان اهل سنت دو نظر وجود دارد: گروهی از آنان، عقیده‌ای مطابق با نظر شیعیان دارند و معتقدند که امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است و برخی دیگر آن را انکار می‌کنند. در اینجا به بررسی این مطلب می‌پردازیم.

۱-۲. ولادت امام مهدی علیه السلام

اثبات ولادت هر فردی، پیش از هرچیزی با اعلام پدر وی و شهادت دادن قابله‌ای صورت می‌پذیرد که هنگام به دنیا آمدن نوزاد، مددکار مادر او بوده است؛ هر چند کسی غیر از این دو، او را مشاهده نکرده باشد. چه رسد به اینکه صدها تن دیگر نیز وی را دیده باشند و خود او به اموری مبادرت ورزیده باشد که افراد زیادی از آن مطلع شده‌اند. تعلیمات، سفارش‌ها، راهنمایی، نصیحت‌ها، نامه‌ها، دعاها، سخنان مشهور و اخبار منقولی از ایشان صادر شده باشد و وکلای وی معروف و سفیران او معلوم و معین باشند، و در هر عصر و در میان هر نسلی میلیون‌ها نفر پیرو داشته باشند. علاوه بر همه این قرائن و شواهد، احادیث متعددی دلالت بر ولادت امام مهدی علیه السلام دارند. صرف نظر از روایات عام امامت (مانند حدیث ثقلین و اثنی عشر خلیفه...) که وجود امام در هر زمانی و مصداق فعلی آن را ثابت می‌کند. روایات خاص مهدویت و بشارت‌هایی که ائمه علیهم السلام به ولادت آن حضرت داده‌اند و راهنمایی‌هایی که معصومان علیهم السلام در پاسخ به سؤال شیعیان از ائمه بعد از آنان داشته‌اند، بر این امر دلالت دارد. به عنوان نمونه چند روایت ذکر می‌شود:

۱. احمد بن اسحاق می‌گوید: شنیدم امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی»؛ (۹۱)

«سپاس خدایی را که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین مرا نشانم داد.»

۲. ابی غانم، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید:

«ولد لابی محمد علیه السلام ولدٌ فسماه محمداً فعرضه علی اصحابه یوم الثالث و قال: هذا صاحبکم من بعدی، و خلیفتی علیکم وَ هو القائم الذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار»؛ (۹۲) «برای ابی محمد امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد. پس او را محمد نام گزارد. پس روز سوم امام حسن علیه السلام او (فرزند) را به اصحاب نشان داد و فرمود: این صاحب و امام شما بعد از من و جانشین من بر شما است و او قائمی است که گردن‌ها به انتظار او کشیده می‌شود.»

۳. امام هادی علیه السلام فرمود:

«ان الامام بعدی الحسن ابنی، و بعد الحسن ابنه الذی یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ (۹۳) «امام بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است و بعد از او پسرش قائم علیه السلام (امام است)، همان که پر می‌کند زمین را از عدل و داد، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است.»

تذکر: با توجه به مجموع روایات، تواتر معنوی روایات ولادت را می‌توان ثابت کرد.

۲-۲. نسب امام مهدی علیه السلام

گروهی از اهل سنت با وجود اعتقاد به مهدویت و ویژگی‌های آن حضرت، براساس برخی از احادیث معتقدند که ایشان از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است نه از فرزندان امام حسین علیه السلام.

پژوهش‌های انجام شده در کتاب‌های اهل سنت نشان دهنده وجود تنها یک حدیث در این مورد است که در سنن ابوداود سجستانی آمده است:

«قال علی علیه السلام - و نظر الی ابنه الحسن - فقال: انّ ابنی هذا سید کما سمّاه النبی صلی الله علیه و آله و سیخرج من صلبه رجل یسمی باسم نبیکم یشبهه فی الخلق...»؛ (۹۴) حضرت علی علیه السلام - در حالی که به فرزندش حسن نگاه می‌کرد- گفت: «به درستی که این فرزندم آقا و سرور است، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله او را چنین نامید. و از صلب او مردی متولد می‌شود که به نام پیامبرتان نامیده می‌شود و در خلقت شبیه او است...».

پاسخ نخست:

با بررسی متن و سند حدیث و مقابله آن با حدیث‌هایی که امام مهدی علیه السلام را از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌دانند، می‌توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن و جعل حدیث را بیان کرد:

۱. اختلاف در نقل حدیث از ابوداود:

جزری شافعی (م ۸۳۳ هـ) آن را از ابوداود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است. (۹۵)

۲. مقطوعه بودن حدیث:

سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده ابواسحاق سبئی است. او کسی است که ثابت نشده حتی یکی حدیث را خود از حضرت علی علیه السلام شنیده باشد، به طوری که منذری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است. (۹۶) او به هنگام شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هفت ساله بوده؛ چون به گفته ابن حجر، اودو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است. (۹۷)

۳. سند حدیث مجهول است:

ابوداود گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست چه کسی بوده است. طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد قابل اطمینان نیست.

۴. وجود روایات معارض از اهل سنت:

این حدیث، با احادیث فراوان دیگر که اهل سنت نقل کرده‌اند، تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که امام مهدی علیه السلام است. به عنوان نمونه، حذیفه بن یمان می‌گوید:

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطبه‌ای خواند و برایمان خبرهایی از آینده داد و سپس فرمود: اگر فقط یک روز از عمر دنیا مانده باشد، خداوند عزوجل آن روز را طولانی می‌کند تا اینکه مردی از فرزندانم را برانگیزاند که نامش، هم نام من است. سلمان به پا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا! از کدام فرزندت؟ فرمود: از این فرزندم (و) با دست به حسین علیه السلام زد.»

۵. احتمال تصحیف

در حدیث ابوداود احتمال تغییر یافتن «حسین» به «حسن» به قرینه اختلاف در نقل - بعید نیست و در غیر این صورت، خبر واحدی است که برابر حدیث متواتر قابل دفاع نیست.

پاسخ دوم

صرف نظر از بحث‌های بیان شده، این حدیث - به فرض صحت - با احادیث فراوان دیگر که امام مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام می‌داند، قابل جمع است. به این صورت که حضرت مهدی علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است و این خود حقیقتی مسلم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود. و لذا امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان واقعاً ذریه حسنین علیهما السلام هستند.

در اینجا برای آگاهی بیشتر اسامی برخی از علمای اهل سنت که احادیث فرزند امام حسین علیه السلام بودن امام مهدی علیه السلام را نقل کرده و به حسینی بودن او اعتراف دارند، ذکر می‌شود:

۱. علامه ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ هـ)

۲. حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (م ۳۸۵ هـ)

۳. حافظ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)

۴. موفق بن احمد ملکی خوارزمی خطیب (م ۵۸۶ هـ)

۵. شیخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی (م ۵۶۹ هـ)

۶. ابن ابی الحدید (م ۵۶۵ هـ) (۹۸)

فصل ۳. لغزشگاه‌های احادیث امام مهدی علیه السلام

موضوع «مهدویت» مانند هر مسأله دیگری، در طول تاریخ دچار هجوم دشمنان و غرض‌ورزان گردیده است. کسانی که فرهنگ اصیل «مهدویت» مانعی بر سر راهشان بوده و با مطامع و اهداف آنان هم خوانی نداشته است، همیشه درصدد تضعیف مبانی و ارزش‌های آن برآمده‌اند. روایات مهدویت یکی از عرصه‌های تهاجم آنان است که در این بخش به بعضی از اشکالات و پاسخ آنها پرداخته می‌شود:

شبهه نخست: صحیحین و احادیث امام مهدی علیه السلام

از ادعاهای پوچ و بی‌اساس برخی، این است که بخاری و مسلم حدیثی درباره حضرت مهدی علیه السلام ثبت نکرده‌اند و این به معنای آن است که موضوع مهدویت نزد آنان پذیرفته نبوده و حدیث صحیحی ندارد و لذا در کتاب خود، روایت مهدویت را ذکر نکرده‌اند. پیش از بررسی این ادعا، لازم است چند مطلب گوشزد شود:

۱. بخاری در کلام بسیار مشهوری درباره کتاب خود می‌گوید:

«این کتاب را با یکصد هزار حدیث صحیح (و به قولی با دویست هزار حدیث صحیح) نوشتم و حدیث‌های صحیحی را که رها کردم، افزون‌تر است».

بنابراین، به تصریح خود بخاری، آنچه را که نقل نکرده، به علت ضعف نبوده؛ بلکه بسیاری از حدیث‌هایی را که صحیح می‌دانسته، در کتابش نیاورده است.

۲. علمای اهل سنت معتقد نیستند که همه روایات نقل نشده در صحیحین، ضعیف می‌باشند؛ بلکه کاملاً عکس این است. از دیدگاه آنان احادیث صحیح بسیاری بوده که در صحیحین ذکر نشده است و لذا آنها را استدراک کرده‌اند تا بدین وسیله کاستی‌ها صحیحین را جبران کنند.

۳. هیچ یک از علمای رجال و حدیث شناس اهل سنت، تنها ملاک صحیح بودن یک حدیث را آمدن آن در صحیحین ندانسته است؛ بلکه بعضی از احادیث - که صحت آنها نزد اهل سنت قطعی است - در صحیحین نیامده است. بهترین گواه این مدعا، حدیث «العشرة المبشرة بالجنة» است که هیچ یک از بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند؛ ولی نزد اهل سنت از حدیث‌های متواتر است.

۴. کسانی که به بهانه نبودن حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام در صحیحین، منکر ظهور آن بزرگوار شده‌اند، در واقع اطلاع دقیق و کافی از محتوای آنها ندارند.

پاسخ شبهه:

پوشیده نیست که احادیث امام مهدی علیه السلام در زمینه‌های گوناگونی است؛ از جمله: نام شریف، بعضی از اوصاف، نشانه‌های ظهور، روش و چگونگی حکومت و... بدیهی است که نیاز حتمی به آوردن کلمه «مهدی» در تمامی این حدیث‌ها نیست؛ چون منظور از احادیث، کاملاً روشن و آشکار است. برای مثال ممکن است حدیث صحیحی در کتابی روایت شده باشد و در آن صفتی از صفات مهدی موعود در آخرالزمان با ذکر کلمه «المهدی» آمده باشد و همین حدیث در بخاری نقل و به جای آن کلمه «رجل (مردی)» ذکر شده باشد. در این صورت کدام عاقل و خردمندی در اینکه این حدیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام است، شک و تردید می‌کند؟ اگر توجه به روایات و مقایسه آنها با یکدیگر را نپذیریم، در غیر این صورت اجمال در بسیاری از حدیث‌ها به چه شکل برطرف شده و معنای درست آنها آشکار می‌گردد؟ آیا نزد علما، راه و روشی جز این است که حدیث مجمل را با حدیث مفصل تفسیر کنند، هرچند که آن دو در یک کتاب یا در دو کتاب جداگانه باشند؟

به علاوه، اگر به صحیح بخاری و صحیح مسلم مراجعه کنیم، خواهیم دید که آن دو ده‌ها حدیث «مجمّل» درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند که دیگر علمای اهل سنت آنها را به حضرت نسبت داده‌اند؛ زیرا حدیث‌های «صحیح» دیگری که در دیگر کتاب‌های صحیح و مسند و مستدرک ثبت شده، از آنها «رفع اجمال» می‌کند.

شگفت‌انگیزتر اینکه حدیث «المهدی حقّ و هو من ولد فاطمة» را چهار تن از علمای کاملاً مورد وثوق و اطمینان اهل سنت، در کتاب‌های خود از «صحیح مسلم» نقل کرده‌اند؛ ولی متأسفانه با مراجعه به چاپ‌های موجود و در دسترس امروزی این کتاب، اثری از آن وجود ندارد! آن چهار نفر عبارت‌اند از:

الف. ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ هـ) در کتاب الصواعق المحرقة باب یازدهم، فصل اول، ص ۱۶۳؛

ب. متقی هندی حنفی (م ۹۷۵ هـ) در کتاب کنز العمال، (ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۲)؛

ج. شیخ محمد علی صبان (م ۱۲۰۶ هـ) در کتاب اسعاف الراغبین (ص ۱۴۵)؛

د. شیخ حسن عدوی حمزای مالکی (م ۱۳۰۳ هـ) در کتاب مشارق الانوار (ص ۱۱۲).

به هر حال بخشی از احادیث نقل شده در صحیح مسلم و بخاری را نمی‌توان جز به حضرت مهدی علیه السلام نسبت داد یا تفسیر کرد. این برداشت و استنباط ما در فهم حدیث‌های این دو کتاب نیست؛ بلکه از مطالب مورد اتفاق پنج تن از شارحان صحیح بخاری است که در بخش مربوط به آن توضیح داده می‌شود.

حدیث‌های صحیح مسلم و بخاری که در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است

۱. احادیث خروج دجال در صحیحین

بخاری در صحیحش به یک روایت درباره خروج دجال و فتنه او، بسنده کرده است. در حالی که در صحیح مسلم، ده‌ها حدیث درباره خروج، روش، اوصاف، خرابکاری، فساد، لشکرکشی و سرانجام او نقل شده است و در روایاتی دجال از جمله علامات ظهور و خروج حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است.

۲. احادیث نزول عیسی علیه السلام در صحیحین

بخاری و مسلم هر دو با اسناد خود از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه‌اید اگر پسر مریم بر شما فرود آید، در حالی که امامتان از شما باشد؟» (۹۹)

مسلم با اسنادش از جابر بن عبدالله آورده است:

«شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از امتم آشکارا تا روز قیامت براساس حق پیکار می‌کنند.

پس عیسی بن مریم فرود می‌آید. فرمانده گروه گوید: بیا و بر ایمان نماز بگزار! می‌گوید: خیر، به درستی که

برخی از شما به پاس گرامی داشت این امت بر دیگران امیر هستند.» (۱۰۰)

اگر به دیگر کتاب‌های حدیثی اهل سنت - صحیح و مسند و غیره - مراجعه کنیم، روایات فراوانی را می‌یابیم

که به صراحت بیان می‌کنند که فرمانده گروهی که تا روز قیامت بر پایه حق پیکار می‌کند، کسی جز حضرت

مهدی علیه السلام نخواهد بود.

به عنوان نمونه حدیث را ذکر می‌کنیم:

الف. ابن ابی شیبہ از ابن سیرین نقل کرده است:

«مهدی از این امت و همان کسی است که بر عیسی بن مریم امامت می‌کند.» (۱۰۱)

ب. ابونعیم از ابن عمرو دانی از حذیفه نقل کرده است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام نظر افکند. در حالی که عیسی بن مریم فرود آمده، گویی آب از موهایش می‌چکد. سپس حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: جلو برو و با مردم نماز بگذار. پس عیسی علیه السلام گوید: نماز تنها برای شما برپا شده است. پس (عیسی) پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌گزارد.» (۱۰۲)

در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، به تواتر حدیث‌های مهدویت تصریح شده است؛ از جمله در شرح حدیث پیشین، می‌گوید:

«نماز خواندن عیسی پشت سر مردی از این امت - با توجه به اینکه در آخر الزمان و نزدیک قیامت است - نشانگر صحت و درستی گفته‌هایی است که می‌گوید: به درستی که زمین از قائمی برای خدا یا حجت خالی نخواهد ماند.» (۱۰۳)

قسطلانی در شرح بر بخاری، این حدیث را به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده، می‌گوید: حضرت عیسی علیه السلام در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. (۱۰۴)

این مطالب در عمده القاری فی شرح صحیح البخاری نیز وجود دارد.

در کتاب فیض الباری در تفسیر حدیث بخاری تأکید بیشتری هست. در این کتاب، حدیثی از ماجه قزوینی آورده و سپس می‌گوید: پس مصداق «الامام» در این حدیث همان «امام مهدی» است. (۱۰۵)

در حاشیه البدر الساری الی فیض البخاری شرح مفصلی در باره حدیث فوق آورده و توضیح می‌دهد که شارح حدیث، باید به احادیث دیگر صحابه در همان زمینه مراجعه کند. لذا جمع حدیث‌هایی که مبین این حدیث

بخاری است، او را بر آن داشت که تصریح کند: مراد از امام همان، امام مهدی علیه السلام است. سپس می‌افزاید: این معنا را حدیث ابن ماجه به تفصیل روشن کرده که استناد آن هم قوی است. (۱۰۶)

۳. احادیث صحیح مسلم «درباره کسی که مال‌ها را می‌بخشد».

مسلم با اسناد خود از جابر بن عبدالله آورده است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در اواخر دوران امت من، خلیفه‌ای خواهد آمد که مال را فراوان می‌بخشد و هیچ شمارش نمی‌کند.» (۱۰۷)

وی این حدیث را از طریق‌های دیگری از جابر و ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند. صفت «پاشیدن مال» مبالغه در فراوانی است و در کتاب‌ها و روایات اهل سنت، هیچ موصوفی جز حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

ترمذی با اسنادش از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «به درستی که مهدی در امت من است... (تا آنجا که فرمود) پس مردی نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی (مالی) به من بده، پس به اندازه توان حمل کردن او، در پیراهنش پول می‌ریزد.» (۱۰۸)

این حدیث از ابوهریره و ابوسعید خدری و ده‌ها طریق دیگر نقل شده است.

۴. احادیث خسف بیداء در صحیح مسلم

مسلم در صحیح با اسناد خود از عبیدالله بن قبطیه آورده است:

«حارث بن ابی ربیع بن صفوان همراه با من بر ام سلمه ام‌المؤمنین وارد شدیم. از او درباره لشکری که به زمین فروی رود، پرسیدند (این در دوران عبدالله بن زبیر بود). ام سلمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پناهنده‌ای در خانه خدا پناه می‌برد، آن‌گاه گروهی را به دنبالش می‌فرستند، هنگامی که آنان به بیداء می‌رسند، زمین آنها را در خود فرو می‌برد.» (۱۰۹)

شبهه دوم: ابن خلدون و احادیث امام مهدی علیه السلام

منکران عقیده ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به خدشه‌هایی که توسط ابن خلدون به احادیث «مهدویت» وارد شده، تمسک کرده و چنین نتیجه می‌گیرند که همه این احادیث بی‌اعتبار است. استاد الازهر، سعد محمد حسن، شاگرد احمد امین درباره این احادیث می‌گوید:

علمای حدیث و نقادان و حدیث پژوهان به تفصیل و نقد و بررسی این مجموعه از احادیث پرداخته‌اند و علامه ابن خلدون به شدت آنها را رد کرده است. (۱۱۰)

همین برداشت را نزد استاد وی احمد امین نیز می‌یابیم. ابوزهره، محمد فرید و جدی و دیگرانی مثل جبهان و سائح لیبی هم این نظر را دارند: «ابن خلدون این احادیث را نقادانه پی‌گیری کرده و تک تک آنها را ضعیف شمرده است». (۱۱۱)

پاسخ: حقیقت تضعیف‌های ابن خلدون

ابن خلدون برخی از احادیث «المهدی» را صحیح می‌داند؛ چنان که برخی دیگر را ضعیف می‌شمارد. به نظر می‌رسد که احمد امین و شاگردانش، به تصریح ابن خلدون، به صحت برخی از این احادیث توجه نکرده و تنها تضعیف‌های وی را دیده و از آنها یاد کرده‌اند!

نکته دیگر اینکه آیا تصریح علمای درایه به «صحت» و «تواتر» این احادیث کافی نیست؛ به ویژه آنکه تخصص ابن خلدون تاریخ و جامعه‌شناسی بوده است، نه علم حدیث!

افزون بر این، مگر شمار احادیثی که ابن خلدون ضعیف شمرده، چه قدر است که عمل وی چنین بزرگ‌نمایی می‌شود. او تنها نوزده حدیث از مجموع ۲۳ حدیث این باب را تضعیف کرده و این تمامی روایاتی است که وی بررسی و نقد کرده است. او تنها از هفت نفر نام برده که احادیث «المهدی علیه السلام» را روایت کرده‌اند؛ یعنی، ترمذی، ابوداود، بزاز، ابن ماجه، حاکم، طبرانی و ابوعلی موصلی. (۱۱۲)

به همین دلایل ابن خلدون مورد مواخذة شدید قرار گرفت و ابوالفیض، کتاب «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» را در رد او نوشت.

علاوه بر این خود ابن خلدون چهار حدیث زیر را صحیح دانسته است.

۱. روایت حاکم از طریق عون اعرابی، از ابوصدیق ناجی، از ابوسعید خدری؛

۲. روایت حاکم از طریق سلیمان بن عبید، از ابو صدیق ناجی، از ابوسعید خدری (ابن خلدون درباره اش می گوید: «اسنادش صحیح» است).

۳. روایت حاکم از حضرت علی علیه السلام درباره ظهور مهدی علیه السلام (ابن خلدون اسناد آن را صحیح می شمارد).

۴. روایت ابو داود سجستانی، از صالح بن خلیل، از ام سلمه (ابن خلدون درباره اش می گوید: «دارای رجال صحیحی است که غیر موثق و مجهول در میان آنان به چشم نمی خورد».) (۱۱۳)

نتیجه

با پژوهش در احادیث امام مهدی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی، روشن می شود که هر دو مکتب، در مسأله مهدویت و اصول و امور کلی آن با همدیگر متحد و متفق هستند. با این حال، به نظر می رسد که احادیث اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام، از دو ویژگی برخوردار است:

۱. احادیث مهدویت اهل سنت از جهت تعداد، کمتر از احادیث شیعی است، ۲. این احادیث، بیشتر به امور کلی پرداخته و کمتر مسائل جزئی مهدویت را در نظر گرفته است.

این وضعیت، بیشتر از آن نشأت می گیرد که آنان فقط به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه اکتفا کردند و در اثر خودداری از تمسک به اهل بیت علیهم السلام، از احادیث آنان محروم شدند. علاوه بر اینکه حدود یکصد سال از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدا افتادند؛ در حالی که شیعه و محدثان شیعی همیشه با خاندان وحی مرتبط بوده اند.

بنابراین با توجه به روایات ائمه علیهم السلام - که حجت و معتبر بوده و می‌تواند دوشادوش کلام پیامبر صلی الله علیه و آله به تشریح و تبیین احکام و معارف بپردازد - می‌توان تصویری کامل از مهدی موعود، به جهانیان عرضه کرد و قلوب آنان را مالا مال از محبت امام زمان علیه السلام نمود و آنها را پیروی از حضرتش آماده کرد.

پی‌نوشت‌ها

- (۱). کافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۴.
- (۲). ر.ک: الامام المهدی عند اهل السنة، مهدی فقیه ایمانی.
- (۳). تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳.
- (۴). روایت و درایت، ص ۲۶.
- (۵). آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۷۹.
- (۶). همان، ص ۱۸۰، به نقل از نخبه الفکر، ص ۱۲.
- (۷). آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۸۱.
- (۸). الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۶.
- (۹). اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۰.
- (۱۰). رجال نجاشی، ص ۳۶ و ۳۷.
- (۱۱). رجال نجاشی، ص ۱۵.
- (۱۲). کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه.
- (۱۳). اساتید معظم، آقایان کورانی و نجم الدین طبسی و ...

- (۱۴) . ک: در انتظار ققنوس، سید ثامر العمیدی، ترجمه و تحقیق؛ مهدی علیزاده، صص ۶۶ - ۸۸.
- (۱۵) . ر. ک: در انتظار ققنوس، صص ۷۶ - ۹۰.
- (۱۶) . التذکره، ج ۱، ص ۷۰۱.
- (۱۷) . همان.
- (۱۸) . المنار المنیف، ابن قیم، ص ۱۳۵.
- (۱۹) . ابراز الوهم المکنون، غماری، ص ۴۳۶.
- (۲۰) . الصواعق المحرقة، فصل ۱، باب ۱۱، صص ۱۶۲-۱۶۷.
- (۲۱) . الاشاعة، الأشراف الساعه، برزنجی، ص ۸۷.
- (۲۲) . اسعاف الراغبین، صبان، صص ۱۴۵ - ۱۵۲.
- (۲۳) . عبقات الانوار، ج ۲ و ۱، ص ۸۲۴ و ۸۲۵.
- (۲۴) . مسلم، صحیح، ج ۴، شماره ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی، ص ۱۸۰۳.
- (۲۵) . سنن، ج ۵، ش ۳۷۸۸، ص ۶۶۳.
- (۲۶) . ر. ک: امام مهدی در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی امام مهدی علیه السلام.
- *. سوره احزاب، (۳۳)، آیه ۳۳.
- (۲۷) . الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶، همچنین ر. ک: تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۸۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۵۲.
- (۲۸) . آل عمران (۳)، آیه ۶۱.
- (۲۹) . صواعق المحرقة، باب ۹، ص ۱۲۱.
- (۳۰) . ر. ک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰؛ صواعق المحرقة، باب ۱۱، فصل ۱۱، ص ۱۴۳.

- (۳۱). لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۸.
- (۳۲). نهاية، ج ۳، ص ۱۷۷.
- (۳۳). فیض القدر، ج ۳، ص ۱۵.
- (۳۴). الصواعق المحرقة، ص ۹۰.
- (۳۵). منسد احمد، ج ۱، ص ۳۷۶، سنن ابو داوود، ج ۴، ص ۱۰۷.
- (۳۶). الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۶- ۸۵.
- (۳۷). عقد الدررفی اخبار المنتظر، ص ۳۵.
- (۳۸). مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷، الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۷۲ ح ۹۲۴۴.
- (۳۹). کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵، باب ۲۵؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۷.
- (۴۰). عقد الدرر، ص ۲۰۵.
- (۴۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: کتاب الله و اهل البيت فی حدیث ثقلین و امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، تألیف جمعی از نویسندگان . آنچه در اینجا آمده بود اقتباس از آن کتاب است.
- (۴۲). صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳، صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۱، ۳۱.
- (۴۳). بحار الانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵.
- (۴۴). فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۳۰-۴۰.
- (۴۵). او خواهد آمد، صص ۷۳-۹۲.
- (۴۶). سیره ابن هاشم، ج ۲، ص ۶۶.
- (۴۷). فقیه ایمان، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۷۸، ۸۰.
- (۴۸). برگرفته از شناخت امام و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن.

- (۴۹). صحیح مسلم، ج ۶، چاپ مصر، ص ۱۰۲.
- (۵۰). صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ غیبت طوسی، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی ص ۷۵.
- (۵۱). فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲.
- (۵۲). فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳، ذیل حدیث ۴۳۱؛ ینابیع المودة، باب ۷۶، ص ۴۴۱.
- (۵۳). با استفاده از کتاب شیعه شناسی و پاسخ به شبهات تألیف علی اصغر رضوانی و مجله طلوع، شماره ۵، مقاله موارد اتفاق مذاهب در قضیه مهدویت، صص ۲۱ - ۳۸.
- (۵۴). بحوث حول المهدی، ص ۶۲ و ۶۳.
- (۵۵). فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.
- (۵۶). ابراز الوهم المکنون، ص ۴.
- (۵۷). صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱.
- (۵۸). اخبار الدول و آثار الدول، ج ۱، ص ۴۶۳.
- (۵۹). تحفه الاحوذی، شرح حدیث ۲۳۳۱.
- (۶۰). بقره (۲)، آیه ۲ و ۳.
- (۶۱). کمال الدین، ج ۱، ص ۹۰.
- (۶۲). الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.
- (۶۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴.
- (۶۴). ا. ابراز الوهم المکنون، صص ۴۳۳ - ۴۳۶.
- (۶۵). الاذاعه، ۱۴۶.

- (۶۶) . مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.
- (۶۷) . انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.
- (۶۸) . نور (۲۴)، آیه ۵۵.
- (۶۹) . مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.
- (۷۰) . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.
- (۷۱) . صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.
- (۷۲) . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.
- (۷۳) . صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.
- (۷۴) . غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، ح ۶۷.
- (۷۵) . الجامع معمر بن راشد، ج ۱۱؛ مصنف صنعانی، ص ۳۲۷، ح ۲۰۷۷۲.
- (۷۶) . فتن، نعیم بن حماد، ج ۱، ص ۳۵۷.
- (۷۷) . غیبت طوسی، ص ۴۷۱.
- (۷۸) . صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۷۰، ح ۲۷۶۸.
- (۷۹) . کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۶.
- (۸۰) . صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۳۸۶، ح ۶۱۴۱.
- (۸۱) . سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵.
- (۸۲) . غیبت نعمانی، ص ۲۱۴، ح ۲.
- (۸۳) . سنن ابی ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح ۴۰۸۳.
- (۸۴) . غیبت نعمانی، ص ۹۲، ح ۲۳.

- (۸۵) . مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.
- (۸۶) . غیبت طوسی، ص ۴۷۶.
- (۸۷) . سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵.
- (۸۸) . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰.
- (۸۹) . سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.
- (۹۰) . کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.
- (۹۱) . منتخب الاثر، ۳ جلدی، ج ۲، باب چهارم، ح ۷۹۱.
- (۹۲) . کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۸.
- (۹۳) . همان، باب ۳۷، ح ۱۰.
- (۹۴) . سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۹۰.
- (۹۵) . المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، صص ۱۶۵-۱۶۸.
- (۹۶) . مختصر سنن ابی داود، ج ۶، ح ۴۱۲۱، ص ۱۶۲.
- (۹۷) . تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۳، ح ۱۰۰.
- (۹۸) . برای اطلاع بیشتر ر. ک به اصالت مهدویت در اسلام.
- (۹۹) . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب الانبیاء، و صحیح مسلم، ج ۱، ح ۲۴۴، ص ۱۳۶.
- (۱۰۰) . صحیح مسلم، ج ۱، ح ۲۴۷، ص ۱۳۷.
- (۱۰۱) . المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۹۵.
- (۱۰۲) . الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۱.
- (۱۰۳) . فتح الباری، ج ۶، صص ۳۸۳ - ۳۸۵.

- (۱۰۴) . ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۱۹.
- (۱۰۵) . فیض الباری، ج ۴، صص ۴۴-۴۷.
- (۱۰۶) . حاشیه البدر الساری الی فیض البخاری، ج ۴، ص ۴۴.
- (۱۰۷) . صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، ص ۳۸.
- (۱۰۸) . سنن ترمذی، ج ۴، ح ۲۲۳۴.
- (۱۰۹) . صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، صص ۴ - ۷ .
- (۱۱۰) . المهدیه فی الاسلام، ص ۶۹.
- (۱۱۱) . مجله الدعوة الاسلامیة، ش ۱۰، مقاله تراثنا و موازین النقد، ص ۱۸۵.
- (۱۱۲) . تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۵۵۵.
- (۱۱۳) . برای توضیح بیشتر ر.ک:المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی و در انتظار ققنوس.